كاسنى، سرور سبزيجات

مهدى جهانگير

مشخصات

گياهى است معروف كه در اكثر سرزمينها مى رويد. داراى گونه هاى برّى و بستانى است و هر كدام بر دو قسم است. آنچه را برگ بزرگ و دراز و با خشونت و مايل به تلخى و ساق آن به ذرع و زياده تر نيز مى رسد با شاخ هاى رخو و گل كبود اندكى بزرگ و خوشمزه، آن را هندباى شامى مى نامند. نوع ديگرى كه نوع برّى است را «بقلة الجهودية» نيز مى نامند.

بر حسب اختلاف هوا، مكان و زمان، تغيير در طعم و رنگ و طبع آن مى رسد. در تابستان به رنگ كاه است و بسيار تلخ. در اين زمان مقدارى گرم مى شود به حدى كه اثر برودت بسيار از آن ظاهر نمى گردد. بستانى را كاسنى، و برّى را طرخشقوق مى گويند.[1]

در مصر باستان اين گياه هم دارويى و هم خوراكى بود. در قرن هفده از آن به عنوان جانشينى براى قهوه استفاده مى كردند.[2]

گياه علفى پايا و داراى ساقه اى راست و شاخه دار است كه در حالت وحشى، ارتفاعش به 5/0 تا 5/1 متر مى رسد، ولى اگر پرورش يابد از 2 متر نيز تجاوز مى كند. از اختصاصات آن اين است كه ريشه اى قوى و مخروطى به قطر انگشت، به درازاى 5/0 تا يك متر و به رنگ قهوه اى دارد ولى اگر قطع گردد رنگ مايل به سفيد نمايان مى سازد. در داخل ريشه آن شيرابه شيرى رنگ جريان دارد.

ساقه كاسنى، باريك، استوانه اى و داراى انشعابات كم در ناحيه مجاور رأس است، به طورى كه منحصراً در قسمتهاى انتهايى ساقه، شاخه هايى با حالت فاصله دار از محور اصلى، در گياه ديده مى شود.

كاسنى در سرزمينهاى نسبتاً مرطوب كنار جاده ها، اماكن باير و دامنه هاى كم ارتفاع غالب نواحى اروپا تا حد سوئد، مناطق غربى و مركزى آسيا و شمال افريقا به حالت خودرو مى رويد. در آمريكاى شمالى نيز به حالت نيمه وحشى درآمده است.

كاسنى، برگهاى متناوب و پوشيده از تارهاى فراوان در اطراف رگبرگ ميانى دارد. شكل ظاهرى برگهاى قاعده ساقه آن با بقيه فرق دارد، مانند آن كه در قاعده ساقه، برگها عموماً دراز، منقسم به قطعات عميق دندانه دار و منتهى به يك قسمت انتهاى مثلث شكل است و هر قدر كه به رأس ساقه نزديك گرديم، برگها كوچك تر مى شوند و كناره تقريباً ساده و وضع ساقه آغوش پيدا مى كند.

گلهاى زيبا و آبى رنگ كاسنى، از تير تا شهريور ظاهر مى شود و چون به تعداد زياد و به شكل فاصله دار در طول محور دراز ساقه و انشعابات آن شكفته مى گردد، از اين جهت منظره اى زيبا به گياه مى بخشد.

بعضى از پايه هاى اين گياه نيز به تناسب شرايط متفاوت محيط زندگى داراى گلهايى به رنگهاى سفيد يا گلى مى باشند. در هر گل كاسنى 18 تا 20 گل زبانه اى منتهى به پنج دندانه ديده مى شود كه در يك جام و غنچه واقع اند.

ميوه آن فندقه چهار سطحى نسبتاً مسطح و منتهى به مجموعه اى از فلس هاى بسيار كوچك است. اين گياه در نواحى مختلف به تفاوت به صورت يك ساله، دو ساله و چند ساله در مى آيد.

از مشخصات آن اين است كه گلهايش در مقابل تابش نور خورشيد حالت شكفته و باز شده به خود مى گيرند در حالى كه هنگام غروب آفتاب يا موقع شب يا در هواى مه آلود و يا بارانى گل هاى واقع در سطح جام به هم نزديك مى گردند و آن را به صورت ناشكفته جلوه مى دهند.[3]

داشت و برداشت

كاسنى مراقبت زياد لازم ندارد. از نظر درمانى نيز ريشه ضخيم و گوشت دار و برگهاى قاعده ساقه و حتى گل و دانه آن مورد توجه است كه آن هم اگر از گياه وحشى به دست آيد، بهتر است. در موقع خارج كردن ريشه كاسنى از زمين بايد به اين نكته توجه شود كه ريشه ها در آخر سال اول از زمين خارج گردد; زيرا در غير اين صورت اگر ديرتر به دست آيد، حالت گوشت دار بودن آن از بين رفته، سخت و چوبى و غيرقابل استفاده مى گردد.

برگ كاسنى را بايد موقعى از ساقه جدا كرد كه در مرحله رشد كامل باشد، در غير اين صورت رشد گياه آسيب مى بيند.[4]

كاسنى در زمينهاى آهكى ـ رسى كه رطوبت كافى داشته و به خوبى آن را شخم زده باشند بهتر رشد مى كند. براى پرورش آن، دانه گياه را در اوايل ارديبهشت بر روى خطوطى به فواصل 20 تا 40 سانتى متر از يكديگر مى كارند.

كاسنى داراى انواع مختلفى است كه براى پرورش دادن خوب هستند. بعضى از آنها برگهاى پهن و برخى ديگر برگهاى مرج دار و منقسم دارند. قطعات ريشه كاسنى را معمولاً پس از بو دادن به صورت گرد درآورده مانند قهوه به مصرف مى رسانند، ولى گرد مذكور كه Chicaree -cafe ناميده مى شود طعم و بو و عطر مطبوع قهوه را ندارد.[5]

تركيبات شيميايى

برگ كاسنى داراى املاحى نظير سولفاتها و فسفاتهاى سديم و منيزيم و پتاسيم است. گلوكزيد تلخى به نام شيكورين Chicarine يا سيكورين Cichorine نيز در آن يافت مى شود. گل هاى آن به علاوه داراى سيكورى ئين مى باشد كه ايزومر اسكولين (Esculine) است.[6]

سيكورى ئين Cichoriine با فرمول C15 h16 O9 و به وزن ملكولى 28/340 در گل هاى كاسنى يافت مى شود.

ريشه كاسنى داراى 11 تا 15 درصد انيولين، 10 تا 22 درصد قندهاى مختلف نظير گلوكز، لولز و ساكارز يك ماده رزينى، مقدار كمى تانن، اسانس، پكتين، لوولين Levuline و ثيكورين مى باشد كه به سهولت در آب، تبلور حاصل مى كند.

مقدار درصد اينولين كه به حالت محلول در شيره سلولى اعضاى گياه وجود دارد تدريجاً در پاييز زياد مى شود، در حالى كه مقدار آن در بهار به حداقل مى رسد.

برگ و ريشه گياه داراى ويتامينهاى B,G,K,P است و گرد ريشه بو داده كاسنى به علت مصرفهاى زيادى كه دارد در بعضى نواحى اروپا پيوسته مورد استفاده قرار مى گيرد.

تركيب ريشه بو داده كاسنى:

آب 11 تا 17 درصد

مواد ازته 6 تا 25/7 درصد

قندهاى احيا كننده 15 تا 26 درصد

اينولين، دكسترين و غيره 6 تا 12 درصد

مواد چرب 73% تا 74/2 درصد

خاكستر باقيمانده 80/4 تا 66/7 درصد[7]

مزاجش در آخر اول سرد است (كاسنى تر)، كاسنى خشك، در اول خشك، و كاسنى كاشتنى، سبز و مرطوب تر از بيابانى است.[8]

هر دو قسم در اول سبز و تر و با اجزاى حارّه لطيفه كه از شستن رفع گردد و از جهت لطافت مفرط به حسب اختلاف هوا و زمان و مكان، تغيير طعم و رنگ و طبع مى دهد.[9]

آثار درمانى كاسنى

آثار كاسنى بر كبد

بازكننده انسدادهاى كبدى، تقويت كننده كبد، كاهنده صفرا، آب برگ كاسنى و آب برگ رازيانه، بهترين دواى دفع كننده يرقان انسدادى است. تخم كاسنى براى رفع تبهاى صفراوى و انسدادها و خفقان و بيماريهاى كبد مفيد است.

ريشه كاسنى

جوشانده اش براى رفع آسيت شكمى ناشى از بيماريهاى كبدى مفيد است.[10] نوشيدن جوشانده يا خامه گياه، بازكننده مجارى صفراوى و شدد كبدى و در درمان سنگهاى صفراوى مؤثر است.

آثار كاسنى بر كل بدن

كاهنده حرارت و رفع كننده تشنگى است. اگر آب كاسنى را بجوشانند و كف آن را با سكنجبين بنوشند، براى تبهاى مزمن مؤثر است و عفونتهاى داخلى را رفع مى كند. جوشانده ريشه كاسنى نرم كننده خلطها براى انواع تب هاى مخلوط و مزمن است.[11]

اگر كاسنى را با جوشانده جو ميل كنند، رفع تشنگى مى كند.[12]

آثار كاسنى بر خون

كاهنده خون، تسكين دهنده مزاج خون، تصفيه كننده خون.[13]

تحليل برنده مواد مختلف بدن، ضد انعقاد خون.[14]

اثرات كاسنى بر دستگاه گوارش

كاهنده التهاب، تقويت كننده معده، اگر با قدرى رازيانه و كشوث بجوشانيد مسهل بسيار شديدى است. غرغره آب كاسنى و آب خيار چنبر ورم حلق و خنّاق را رفع مى كند.

تخم كاسنى مصرفش اشتهاآور است. ريشه كاسنى جوشانده اش و خوردنش تميز كننده مجارى گوارشى است.[15]

رفع بلغم معده و ورم معده مى نمايد. ضد استفراغ مى باشد. ريشه اش در درمان ورم معده مؤثر است. مصرف كاسنى در درمان بيماريهاى انگلى تأثير بسزايى دارد.[16]

آثار كاسنى بر مجارى ادرارى و كليه ها

تميز كننده مجارى ادرارى است. اگر تخمش با صندل و رازيانه پخته شود براى رفع سموم و نارسايى كليه مؤثر است. ادرارآورى از خواص تخمش مى باشد.[17]

در درمان سنگ مثانه و رفع آن مؤثر است.[18]

اثرات كاسنى بر مفاصل

اگر كاسنى را كوبيده با روغن بنفشه و آرد جو و سركه خمير كنند و به مفاصل دردناك بمالند براى رفع درد مفاصل در طبعهاى گرم و نقرس گرم و ورمهاى گرم بى همتاست.[19]

مصرف ريشه كاسنى در رفع درد مفاصل مؤثر است.[20]

آثار كاسنى بر چشم

ماليدن آب كاسنى براى ورمهاى درد چشم و تقويت بينايى مؤثر است. رمدگرم را مى زدايد. شيره كاسنى سفيده چشم را رفع مى كند.

مصرف جوشانده به صورت نوشيدن، رفع آب چشم مى كند. تقويت شهلاى چشم مى كند و شماره عينك چشم را كاهش مى دهد و چشم را تقويت مى كند.[21]

آثار كاسنى بر قلب

براى تپش قلب و تقويت قلب مؤثر است.[22] بازكننده عروق و به خصوص رگهاى قلب است.[23]

مصرف جوشانده كاسنى براى رفع انسداد دنده ها و تصلب شرايين مؤثر است. ضمادش با آرد جو تپش قلب را كاهش مى دهد.[24]

آثار كاسنى بر سموم

ضماد ريشه كاسنى جهت گزيدگى عقرب، زنبور و مار مفيد است. ضماد كاسنى كه مخلوط با آرد جو باشد رفع سم عقرب، زنبور، مارمولك و مار مى نمايد.[25]

اثر كاسنى بر دستگاه توليد مثل زنان و هورمون هاى زنانگى احتمال جنين پسر را بالا برده و شيرافزاست.[26] هندباى برّى شيرآور است.[27]

اگر پوست كاسنى را با سفيداب و سركه مخلوط كنند جهت سوختگى آتش مفيد است.[28]

آثار كاسنى در ناراحتى هاى پوستى

ماسك زيبايى، رفع كننده خارش پوستى (ضحار و عرقش)، جلوگيرى از سفيد شدن مو (مصرف تخمش)، رفع كننده بيمارى واريس. به علت داشتن ويتامين ث در التيام زخمها و ترميم پوست مؤثر است.[29]

براى رفع خارش و كهير مؤثر است. مصرف جوشانده يا خشك و تازه گياه، هر سه مؤثرند.[30]

آثار كاسنى بر روان

ماليخوليا و هيجان را برطرف مى كند.[31]

خواص درمانى ديگر

كليه قسمتهاى گياه مخصوصاً ريشه و برگ آن، اثر مليّن، صفرابر و تب بر دارد و از آن به عنوان اشتهاآور (در ضعف عمل دستگاه هضم)، درمان قولنج هاى كبدى، زردى، نارسايى اعمال كبد و هيسترى، وجود خون در ادرار، رفع اخلاط خونى، آب آوردن انساج، تبهاى نوبه، تبهاى مخاطى و بيماريهاى مزمن پوست در حالات خفيف، استفاده مى كنند.

كاسنى در دفع رسوبات ادرارى، عفونت مجارى ادرار، كم خونى و درمان نقرس و رماتيسم اثر معالج دارد.

بررسيهاى يك گروه از محققان هندى نشان داده است كه اگر عصاره آبى يا الكلى گياه بر روى لثه ها ماساژ داده شود، در رفع التهاب و التهاب هاى همراه با خونريزى لثه، مؤثر مى گردد. به علاوه اگر در فرمول خميردندانها وارد شود، اثر ضد ميكروبى قوى ظاهر مى كند و حتى در اين مورد اثر ميكروب كشى آن، از بعضى آنتى بيوتيكها قوى تر ذكر شده است.

در نواحى شمال ايران، با قرار دادن قسمت گوشت دار ريشه كاسنى به مدت 8 تا 12 ساعت در آب سرد، خيسانده اى با طعم تلخ و ناپسند تهيه مى شود كه پس از صاف كردن، به عنوان داروى كمكى جهت رفع تب مالاريا صبح ناشتا مورد استفاده قرار مى دهند.

از ريشه كاسنى، مخلوط با گياهان دارويى ديگر، شربتى به نام شربت روبارب كمپوزه (Rhubarbe compose) يا شربت كاسنى مركب (Chicoree compose) به شرح زير تهيه مى شود. اين شربت مدتهاست كه به عنوان بهترين داروى ملين براى اطفال، مورد استفاده مردم كشورهاى مختلف قرار مى گيرد. (Dorvault)

ابتدا روبارب، دارچين و چوب صندل را كه قبلاً به قطعاتى تقسيم كرده اند در داخل ظرفى جاى مى دهند و مقدار يك ليتر آب به آن مى افزايند و به مدت 6 ساعت دم مى كند. سپس محلول را با فشار خارج كرده، مايع حاصل را از كاغذ صافى عبور مى دهند و بدون استفاده از حرارت، به هر 100 قسمت محلول، 180 قسمت قندى را مى افزايند تا شربت تهيه شود. تفاله باقيمانده را با بقيه مواد ديگر كه قبلاً آنها را به قطعاتى درآورده اند، مخلوط كرده مقدار 5 ليتر آب جوش بر روى آنها مى ريزند و به مدت 12 ساعت به حال خود وامى گذارند تا دم كند، سپس با فشار صاف مى كنند و به محلول صاف شده، بقيه قند را مى افزايند و پس از حرارت دادن و صاف كردن، شربت قبلى را به آن مى افزايند و با گذراندن از پارچه نازك مجدداً صاف مى كنند (كدكس 1937). مقدار مصرف آن، 10 تا 30 گرم براى اطفال 30 ماهه تا 15 ساله است.

در استعمال خارجى، قرار دادن برگهاى تازه و له شده كاسنى بر روى پوست بدن، براى آرام كردن ناراحتيهاى جلدى ناشى از التهاب و تحريكات سطحى، توصيه گرديده است.

از شيره كاسنى شربتى به طريق زير تهيه مى گردد كه اثر رفع يبوست ـ به ويژه در كودكان ـ دارد. مقدار 500 گرم قند را در نيم ليتر شيره گياه حل كرده آن را مى جوشانند تا به غلظت شربت درآيد. سپس به مقدار 3 تا 4 قاشق صبح ناشتا مصرف مى كنند. براى اطفال، مقادير كم اين شربت بايد به كار رود.

محل رويش

كاسنى، پراكندگى وسيعى در نواحى مختلف ايران دارد، چنان كه در دامنه هاى كم ارتفاع البرز، راه قزوين به رشت، اطراف رودبار، اطراف تهران، كرج، آذربايجان (اروميه و نواحى ديگر آن)، گيلان (اطراف رشت و لاهيجان)، فارس، بلوچستان، آبادان، نواحى كوهستانى خراسان (بين بجنورد و مشهد)، بين مشهد و فريمان در 1000 تا 1300 مترى (احدمايران) و بسيارى از مناطق ديگر ايران رويش دارد.[32]

يادكرد كاسنى در روايات

در روايات معصومان ـ عليهم السلام ـ فراوان از كاسنى و آثار درمانى آن ياد شده است. در روايتى، حضرت امام صادق ـ عليه السلام ـ از آن به «سرور سبزيجات» تعبير فرموده است: «الهندباء سيّد البقول.»[33]

نيز آن حضرت از پدر بزرگوارش روايت كرده كه وى از دور ريختن و هدر دادن كاسنى هنگام غذا خوردن نهى مى فرمود.[34]

در روايات ديگرى به استفاده از اين سبزى در وعده هاى غذايى تأكيد شده است.[35]

در برخى روايات، آن را مقوى قواى جنسى، عامل سلامت و زيبايى جنين و مفيد در صاحب فرزند ذكور شدن معرفى فرموده اند.[36]

در اين جا متن پاره اى از روايات را از نظر مى گذرانيم:

«تغذّيتُ مع ابى عبدالله ـ عليه السلام ـ و على الخوان بقلٌ و مَعَنا شيخٌ، فجعل يتنكّب الهندباء، فقال ابو عبدالله ـ عليه السلام ـ : اَما انتم فتزعمون انّ الهندباء باردة، و ليست كذلك و لكنّها معتدلة، و فضلها على البقول، كفضلنا على الناس.»[37]

«راوى مى گويد: با حضرت امام صادق ـ عليه السلام ـ غذا مى خوردم و بر سفره سبزيجاتى قرار داشت و پيرمردى نيز با ما هم غذا بود كه از كاسنى پرهيز مى كرد. حضرت به وى فرمود: شما خيال مى كنيد كه كاسنى طبعش سرد است (و با طبع پيران سازگارى ندارد)، حال آن كه اين گونه نيست. بلكه طبعش معتدل است، و فضيلت كاسنى بر ديگر سبزيجات، همانند فضيلت ما بر مردم است.»

حضرت امام صادق ـ عليه السلام ـ فرمود:

«مَنْ باتَ و فى جوفه سبع طاقات من الهندباء، امن من القولنج ليلته تلك ان شاء الله.»[38]

«هر كس شب را به صبح برساند، در حالى كه در معده اش هفت شاخه كاسنى باشد، در آن شب از بيمارى قولنج ـ به خواست خدا ـ مصون خواهد بود.»

«سمعت الرضا ـ عليه السلام ـ ، يقول: انّ فى الهندباء شفاء من الف داء، ما من داء فى جوف ابن آدم اِلاّ قمعه الهندباء.»[39]

«راوى مى گويد: از امام رضا ـ عليه السلام ـ شنيدم كه فرمود: در كاسنى، شفاى هزار بيمارى قرار دارد. هيچ بيمارى اى در معده فرزند آدم (آدميزاد) نيست، جز آنكه كاسنى آن را برطرف مى سازد.»

در ادامه همين روايت، آمده است كه حضرت براى درمان تب و سردرد يكى از نزديكانشان دستور داد كاسنى را بكوبند و كوبيده آن را بر كاغذى بريزند و با آب بنفشه (روغن بنفشه) مخلوط كرده، به صورت ضماد بر دو پهلويش ببندند. سپس فرمود: «اين مرهم، تب او را قطع و سردردش را درمان مى بخشد.»[40]

در دعوات قطب راوندى از قول پيامبر اكرم ـ صلى الله عليه وآله وسلم ـ چنين نقل شده است:

«من اَكل الهندباء و نام عليه لم يؤثّر فيه سحرٌ، و لا سُمٌّ، و لا يقربه شىءٌ من الدوابّ، لا حية، و لا عقربٌ حتى يصبح.»[41]

«هر كس شب كاسنى بخورد و سپس به خواب رود، در او سحر و سَمّى اثر نكند و جانوران موزى همچون مار و عقرب به او نزديك نشوند تا صبح به سلامتى برخيزد.»

پى نوشت :

[1]- قانون در طب، بوعلى سينا، سروش، تهران، چ 4، 1368، ص 127 و 128.

[2]- گياهان دارويى، دكتر زرگر، ج 3، چ 4، انتشارات دانشگاه تهران، 1368، ص 217.

[3]- گياهان دارويى، دكتر زرگر، همان، ص 212 ـ 217.

[4]- همان.

[5]- همان.

[6]- همان.

[7]- گياهان دارويى، دكتر زرگر، همان، ص 212 ـ 217.

[8]- قانون در طب، بوعلى سينا، همان.

[9]- تحفه حكيم مؤمن، محمد مؤمن حسينى، چاپ دوم، تيرماه 1376، كتاب فروشى محمودى، ص 872 و 871.

[10]- همان.

[11]- همان.

[12]- ادويه سرطانيه، مرحوم رضوى، نسخه خطى، ص 140 و 141.

[13]- تحفه حكيم مؤمن، همان، ص 872 و 871.

[14]- خواص خوردنيهاى شفابخش، محمد حسن نعيمى، چاپ اول، 78، نسل نوانديش، ص 405.

[15]- تحفه حكيم مؤمن، همان، ص 871 و 872.

[16]- خواص خوردنيهاى شفابخش، همان، ص 405.

[17]- ادويه سرطانيه، ص 140 و 141.

[18]- خواص خوردنيهاى شفابخش، ص 405.

[19]- تحفه حكيم مؤمن، ص 871 و 872.

[20]- خواص خوردنيهاى شفابخش، ص 405.

[21]- ادويه سرطانيه، مرحوم رضوى، همان، ص 140 و 141.

[22]- گياهان دارويى، دكتر زرگرى، همان، ص 212 ـ 217.

[23]- ادويه سرطانيه، مرحوم رضوى، ص 140 و 141.

[24]- قانون در طب، ص 127 و 128.

[25]- ادويه سرطانيه، مرحوم رضوى، ص 140 و 141.

[26]- همان.

[27]- تحفه حكيم مؤمن، محمد مؤمن حسينى، ص 871 و 872.

[28]- همان.

[29]- خواص خوردنيهاى شفابخش، ص 405.

[30]- ادويه سرطانيه، ص 140 و 141.

[31]- خواص خوردنيهاى شفابخش، ص 405.

[32]- گياهان دارويى، دكتر زرگرى، ج 3، ص 212 ـ 217.

[33]- طب الائمه، سيد عبدالله شبّر، ص 243.

[34]- همان، ص 244.

[35]- ر.ك: همان، ص 243 ـ 247.

[36]- همان، ص 243.

[37]- همان.

[38]- همان، ص 244.

[39]- همان، ص 244 و 246.

[40]- همان.

[41]- همان، ص 247.